

پنجره، دریچه‌ای است که در دیوار بنا جاسازی می‌کنند تا به یاری آن نور به داخل اطاق یا خانه بتابد و روشنایی فضای داخل را تأمین کند. به یاری پنجره فضای خارج را می‌توان دید و با توجه به جهت بنا و تابش آفتاب، در بخشها و جهتهائی از بنا پنجره‌های بیشتر و بزرگتر کار می‌گذارند. قرار گرفتن پنجره‌ها با طول و عرض بزرگتر در بسیاری از موارد بستگی دارد به منظره فضای بیرون، چنانکه در معماری قصرها با طرح چهار و هشت ترک، که در میان باغها بنا می‌شدند، معماران با گذاردن پنجره در اطراف بنا، می‌کوشیدند تا ساکنان کوشک از بیشترین نمای باغ و آبناها بهره‌مند شوند. در معماری ایرانی از دورانه‌های بسیار کهن و دست کم از هزاره دوم پیش از میلاد با کاربرد پنجره برخوردار می‌کنیم. در آثار معماری «چغازنبیل» از هزاره دوم آثار پنجره‌هائی با نورگیرهای خمیر شیشه به دست آمده است. در دوران بعد از اسلام در عمده سبکهای معماری ایرانی کاربردی وسیع داشته است. عمده بناهای گنبددار، همه دارای پنجره‌های نورگیر در ساقه گنبد و درون قوسهای بزرگ دیوارهای باربر چهار جهت بنا هستند. پنجره‌های مشبک که به «مشبکی» معروف بوده‌اند از آجر، کاشی، سنگ و گچ ساخته می‌شدند گاه در پنجره‌های مشبک گچی شیشه‌های کوچک به کار می‌بردند. کاربرد پنجره‌ها در نمای خارجی بنا، گذشته از نقش اصلی تأمین روشنایی داخل بنا، در ایجاد تناسبها و زیبایی نمای خارجی، با توجه به کاربرد تک و جفت آنها و هماهنگ ساختنش با طاقناها و باز و کورنمای بنا، نقش عمده‌ای در جلوه بخشیدن بیشتر به بنا بر عهده داشتند. پنجره‌ها از نظر قوس فراز آنها و قاب‌سازها، قرار گرفتن در داخل طاقناها یا هم‌بندما بودن و بالأخره زهواربندی و «شیشه خور» آنها، به گونه‌های مختلف تقسیم می‌شوند که اگر متناسب به شکل نمای بنا انتخاب بشوند، نقش مهم در جلوه بخشیدن به مجموعه بنا بر عهده خواهند داشت. در ادب فارسی، آنجا که به توصیف فضای زیبا و بناهای باشکوه میان باغها پرداخته شده، با واژه پنجره بسیار برخورد می‌کنیم:

سوی باغ گل باید اکنون شدن  
چه بینیم از بام و از پنجره (بو نصر)  
در آروزی آنکه بینی شگفتی

بر منظری نشسته و چشمت به پنجره (ناصر خسرو)  
در باره سابقه و هنر پنجره‌سازی در ایران گذشته از آثار به جای مانده در بناهای تاریخی، در بخشهایی از مینیاتورها نیز با گونه‌های مختلف پنجره‌های تزئینی برخورد می‌کنیم که اسناد تصویری جالبی در باره شیوه پنجره‌سازی در ایران به شمار می‌روند.

منبع: یادداشتهای شخصی. پرویز ورجاوند

پنجکردی (= فنجکردی)، ابوالحسن علی بن احمد پنجکردی نیشابوری (۴۳۳ - ۵۱۳ ق) نویسنده، شاعر و ادیب شیعی ایرانی. در قریه پنجکرد از توابع نیشابور متولد شد و مقدمات علوم ادبی را در آن شهر

جمعیت آن طبق سرشماری ۱۹۸۱ م، بالغ بر ۷۸۸،۹۱۵ نفر بوده است. اراضی پنجاب هند عمده بین رودخانه‌های سنلیج و جمنا و در قسمتی از ساحل علیای رود راوی واقع است. صدی شصت و دو و سه دهم اهالی آن هندو و سی و پنج درصد سیک و اقلیت قلیلی هم مسلمانند. سیکها که رفته رفته خود را به صورت ملتی جداگانه مشخص کرده‌اند سالهاست که با اصرار از دولت هند تقاضا دارند در پنجاب به ایشان استقلال داخلی بدهد. دولت هند در ۱۹۶۶ م با این امر موافقت کرد اما هندوان زیر بار نرفتند و درگیریهای خونینی بین این دو گروه - به خصوص در امر تیس که معبد بزرگ سیکها در آنجاست سالهاست که ادامه دارد.

پنجاب افغانستان، استان مرکزی سرزمین هزاره جات افغانستان. اجتماع پنج دریاچه به نام عنادین، نرگس، غرغری، مگاورگ، تریس و مور، نام و ناحیه پنجاب را ایجاد کرده است. پنجاب دارای چشمه‌سارها و علف‌چرها و مناظر زیبایی است که آن را پنجاب دایزنگی و سوئیس افغانستان نامیده‌اند. این منطقه کلاً شیعه نشین و اهالی آن فارسی زبان هستند.

منابع: به جز منابع یاد شده در متن مقاله؛ معجم البلدان، ۲۶/۵ - ۲۷؛ تاریخ مخزن پنجاب (اردو)، مفتی غلام سرور، نولکشو / ۱۸۷۷ م؛ لاهور سکھون کی عھدین (اردو)، عبدالله جغتائی، لاهور، ۱۹۶۴؛ Collier's Encyclopedia، ج ۱۹، مقاله «پنجاب» از شریف المجاهد و پ. کرن، Encyclopeda Britannica چاپ ۱۹۶۹ م، ج ۱۸، همچنین چاپ ۱۹۹۰، ج ۹؛ سالنامه پاکستان، سال ۱۹۶۹ م (به انگلیسی)؛ سالنامه هند، ۱۹۷۹ (به انگلیسی)؛ تاریخ نوین هزاره جات، محمدعسی غرجستانی، ۱۵۹ - ۱۶۱؛ تاریخ هزاره، محمدعسی غرجستانی. محمدحسین مشایخ فریدنی

پنجابی چهگنوی، مولوی علی محمد (م ۱۲۸۰ - ۱۳۶۵ ق) فرزند فتح‌الدین هندی، از علما و محققین و ادبا. وی اول حنفی مذهب بود سپس مستبصر گشت و هم‌زمان با دوستش مولوی محمد امیرالدین به تشیع گرایید. وی کتابی در رد عامه نگاشته به نام فلك النجاة فی الامامة و الصلاة که مکرر به چاپ رسیده و به اردو نیز ترجمه شده است.

منبع: نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ۱۶۲۴/۴. عبدالحسین شهیدی

پنجاه باب، کتابی فارسی درباره اسطراب و گاه‌شماری، نوشته ملا رکن‌الدین بن اشرف‌الدین حسینی آملی، از دانشمندان شیعی سده نهم. وی این کتاب را در سال ۸۶۰ ق به فرمان سلطان بایر خان بهادرخان در هرات (پایتخت وی) تألیف کرد. نسخه‌ای خطی از آن به شماره ۵۲۴۸ (بی‌تاریخ نگارش) در کتابخانه آستان قدس رضوی و نسخه‌ای دیگر به شماره ۳۸۵۹/۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در دسترس است. گاه آن را پنجاه باب سلطانی نیز می‌گویند.

منابع: الذریعة، ۱۹۸۳؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۲۹۵۶/۱۲، ۱۷/۱۵؛ فهرست نسخه‌های خطی دو کتابخانه مشهد، محمدحسین روحانی ۶۲۴/۲

13 AGUSTOS 1996

به بعد وارد زبان فارسی شده است (دهخدا، ذیل واژه: برهان، ذیل «پنجره») و ظاهراً بعدها معنایی عام یافته و به هر نوع دریچه اعم از مشبک و غیرمشبک و با هر نوع جنس اطلاق شده است. در دوره زنده و قاجاریه، پنجره به معنای دریچه‌های مشبک فلزی به کار رفته است. واژه روزن، از روچن پهلوی به معنای سوراخی که از آن نور و هوا داخل اتاق می‌شود، پیش از پنجره در زبان فارسی رایج بوده (دهخدا، ذیل «روزن») و احتمالاً به دریچه‌های غیرمشبک اطلاق می‌شده است. در دوره‌های بعد انواع خاصی از پنجره‌ها را به این نام خوانده‌اند (→ ادامه مقاله). واژه اُرسی نیز به نوعی پنجره چوبی رایج در دوره زنده و قاجاریه اطلاق می‌شود (→ سطور بعد). همچنین واژه‌هایی چون پاچنگ (دهخدا، ذیل همین واژه؛ پیرنیا، ص ۳۱۷)، داؤزین (پنجره‌هایی با صفحه مشبک چوبی) فخر و مؤذین (پنجره‌هایی با صفحه مشبک آجری) در دوره زنده و قاجاریه آمده است (عطارزاده، ص ۴۰).

در معماری اوایل دوره اسلامی کاربرد پنجره اندک و معمولترین نوع آن - در سرزمینهای عربی - کُوه بود. کُوه دریچه‌ای کوچک و باریک بود که غالباً نزدیک سقف ساخته می‌شد (د.اسلام، چاپ دوم، ذیل «دار»؛ غالب، ذیل «کُوه»). ظاهراً رعایت حریم خصوصی دیگران، از دلایل کاربرد اندک پنجره در معماری اسلامی بنوده است. بنابر روایتی، اتاق خارج‌ترین حُدافه در فسطاط پنجره‌هایی به سوی کوچه داشت و هنگامی که خبر آن به عمر رسید، ناظری فرستاد تا در صورت اشراف به بیرون آنها را خراب کنند (ابن دقماق، قسم ۱، ص ۶). واژه کُوه نیز مانند روزن در زبان فارسی معنایی خاص یافته و امروزه تنها به پنجره‌هایی گفته می‌شود که بیشتر در مآذنه‌ها تعبیه می‌شود (شهابی، ذیل «کُوه»). واژه‌های نافذه، قَمَریه، قَنَدلیه (→ سطور بعد) و مشربیه\* نیز برای انواع مختلف پنجره در دوره‌های بعد و در سرزمینهای عربی به کار رفته است.

پنجره در قلعه‌ها، قصرها، مساجد و بناهای عمومی برای گسترش زاویه دید از سمت خارج گشاد و بزرگ، و برای ممانعت از تابش مستقیم نور خورشید از داخل تنگ و کوچک ساخته می‌شد، چنانکه در قصر الزهراء (حقرن چهارم) عرض برخی از پنجره‌های قصر از داخل نیم متر و از خارج دو برابر بود (غالب، ذیل «نافذه»). پنجره باروهای قلاع و دژها که به مزغَل شهرت داشت، از خارج تنگ و از داخل گشاد ساخته می‌شد (رزق، ذیل «نافذه»؛ نیز → قلعه\*). پیداست که احداث این نوع پنجره‌ها تنها در دیوارهای ضخیم ممکن بود. درباره کاربرد شیشه در پنجره اطلاعات اندکی وجود دارد.

می‌شود که به نوعی بر محوری بودن و مرکزیت حضرت فاطمه در میان پنج تن تأکید دارد. در اسامی مقبره‌ها، امامزاده‌ها و اماکن مقدس نیز به عنوان «پنج تن» برمی‌خوریم، از جمله امامزاده پنج تن در شهرهای گرمسار، آمل و استرآباد (رابینو، ص ۷۴، ۱۱۶؛ نیز → بش قارداش\*).

منابع: علی بن اسماعیل اشعری، کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، چاپ هلموت ریتز، ویساید ۱۹۸۰/۱۴۰۰؛ عبدالحسین امینی، الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، ج ۷، ۱۱، بیروت ۱۹۶۷/۱۳۸۷؛ عبدالقاهر بن طاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، چاپ محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت [بی تا]؛ محمد ابراهیم خلیل توی، تذکره تکمله مقالات الشعراء، چاپ حسام‌الدین راشدی، کراچی ۱۹۵۸؛ یاسنت لویی رابینو، مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران ۱۳۶۵؛ مصلح بن عبدالله سعدی، بوستان سعدی: سعدی‌نامه، چاپ غلامحسین یوسفی، تهران ۱۳۶۳؛ مجدودین آدم ستایی، دیوان، چاپ محمد تقی مدرس رضوی، تهران ۱۳۴۱؛ احمد شاملو، کتاب کوچه، تهران ۱۳۷۲؛ ابراهیم شکورزاده، عقاید و رسوم مردم خراسان، تهران ۱۳۶۳؛ نورالله بن شریف‌الدین شوشتری، احقاق الحق و ازهاق الباطل، با تعلیقات شهاب‌الدین مرعشی، چاپ محمود مرعشی، قم ۱۳۷۷ -؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع المودّة لِدَوی الثّربی، چاپ علی جمال اشرف حسینی، قم ۱۴۱۶؛ محمدبن عمرکشی، اختیار معرفة الرجال، [تلفیظ] محمدبن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸؛ محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بیجار الانوار، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ ناصرخسروی دیوان، چاپ مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران ۱۳۶۸؛ حسین عارف نقوی، بزرگ‌صغیر کی امامیه مصنفین کی مطبوعه تصانیف اور تراجم، اسلام آباد ۱۳۷۶؛

*Dictionary of beliefs and religions*, ed. Rosemary Goring, Great Britain 1992; *The Encyclopedia of religion*, ed. Mircea Eliade, New York 1987, s. v. "numbers: an overview" (by Annemarie Schimmel).

#### / لیلیا هوشنگی /

پنجره، دریچه و شکافی بر دیوار و گاه سقف ساختمان، برای تهویه و تأمین نور.

ویژگیهای پنجره، از جمله شکل و اندازه آن، و نحوه کاربردش، بسته به شرایط اقلیمی و وضع فرهنگی هر منطقه متفاوت بوده است. واژه پنجره از *Panjara* سانسکریت به معنای قفس (مونیر - ویلیامز<sup>۱</sup>، ص ۵۷۵) گرفته شده و در اردو به صورت *Pinjira* به همین معنا آمده است (شهریار نقوی، ذیل «پنجره»). این واژه به معنای دریچه مشبک احتمالاً از قرن چهارم